



The Conceptual Analysis of Raj'a from the Point of View of Words and Terms

Khodamorad Salimian¹

Received: 17/07/2022

Accepted: 03/09/2022

Abstract

Identifying the meanings of religious words and terms and explaining their semantic field has attracted the attention of Shia scholars for a long time. Among these words, the word "Raj'a" (the belief that a group of people who have died will return to the Earth shortly after the reappearance of the twelfth Shi'a Imam, al-Mahdi), and its derivatives have a relatively high frequency in the Ahlulbayt school of thought. This word, which refers to one of the special and essential beliefs of Shia, is conceptualized in this paper from the point of view of words and terms. Therefore, first, the literal meaning of Raj'a is analyzed with the help of dictionary books, and then its idiomatic meaning is analyzed from the perspective of Shiite scholars and figures. The result of the research, which was carried out in a descriptive, analytical-critical method, shows that what most Shiite theologians and scholars say about the Raj'a is based on some words of the Infallibles (pbut), and it seems that they were not in the position of defining the term of the Raj'a in order to provide a comprehensive meaning. Therefore, most of their views focus on a part of the concept of Raj'a, and the definition of comprehensiveness is presented less. At the end, this paper deals with a comprehensive definition, taking into account the collections of the narratives related to Raj'a.

Keywords

Raj'a, Returners, Mahdism, Shia theologians.

1. Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. kh.salimian@isca.ac.ir.

* Salimian, K. (1401 AP). The Conceptual Analysis of Raj'a from the Point of View of Words and Terms.

Journal of Islamic Knowledge Management. 4(7), pp. 80-103. DOI:10.22081/JIKM.2022.64484.1078

تحليل مفهوم (الرجعة) من منظار اللغة والاصطلاح

خدا مراد سليميان^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢/٠٧/١٧

الملخص

كان التعرف على معاني المفردات والاصطلاحات العقائدية وبيان أبعاد معانيها واحداً من الأمور التي أثارت انتباه علماء الشيعة من قديم الزمان. ومن هذه المفردات مفردة (الرجعة) ومشتقاتها التي كان لها أصدائها العالية نسبياً في مدرسة أهل البيت عليه السلام. وتختص هذه المقالة ببيان مفهوم هذه المفردة التي تشير إلى إحدى العقائد الخاصة والضرورية لدى الشيعة من زاويتي اللغة والاصطلاح. ومن هنا تبدأ المقالة ببيان المعنى اللغوي للرجعة استناداً إلى كتب اللغة، ومن ثم القيام بتحليل معناها الاصطلاحي من خلال آراء أعظم الشيعة وعلمائهم. وتشير نتائج البحث الذي أتبع فيه المنهج الوصفي التحليلي النقدي إلى أن ما يبينه كافة أعظم الشيعة ومتكلميهم عن الرجعة هو ما استفادوه من بعض أقوال المعصومين عليه السلام، والظاهر أنهم لم يكونوا بصدد بيان التعريف الاصطلاحي للرجعة كي يكون ما يقدموه معنى شاملاً. ومن هنا كانت آراء أكثرهم تتركز حول جانب من مفهوم الرجعة، وقلما بينوا تعريفاً شاملاً لها. وفي الختام نحاول المقالة تقديم تعريف جامع للرجعة يأخذ بنظر الاعتبار مجموع روايات الرجعة.

المفردات الأساسية

الرجعة، الراجعون، المهديون، المتكلمون الشيعة.

kh.salimian@isca.ac.ir

١. أستاذ مساعد في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

* سليميان، خدا مراد. (١٤٤٣هـ). تحليل مفهوم (الرجعة) من منظار اللغة والاصطلاح. مجلة إدارة العلم الإسلامي (نصف سنوية علمية - محكمة)، ٤(٧)، صص ٨٠-١٠٣. DOI: 10.22081/JIKM.2022.64484.1078

تحلیل مفهوم‌شناختی «رجعت» از نگاه لغت و اصطلاح

خدا مراد سلیمیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

چکیده

شناخت معانی واژگان و اصطلاحات اعتقادی و تبیین میدان معنایی آنها از دیرباز توجه دانشمندان شیعه را به خود جلب کرده است. در میان این واژگان، واژه «رجعت» و مشتقات آن، در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بسامد نسبتاً بالایی دارد. این واژه که به یکی از اعتقادات ویژه و ضروری شیعه اشاره می‌کند، در مقاله حاضر از نگاه لغت و اصطلاح، مفهوم‌شناسی می‌شود. بنابراین نخست معنای لغوی رجعت با بهره از کتاب‌های لغت و سپس معنای اصطلاحی آن از نگاه بزرگان و علمای شیعه تحلیل می‌گردد. برآیند پژوهش که به روش توصیفی، تحلیلی - انتقادی صورت گرفته، نشان می‌دهد آنچه عموم بزرگان و متکلمان شیعه از رجعت بیان می‌کنند، با بهره از برخی سخنان معصومان علیهم‌السلام است و به نظر می‌رسد ایشان در مقام تعریف اصطلاحی رجعت نبوده‌اند تا معنایی جامع ارائه کنند. از این رو دیدگاه بیشتر آنها بر بخشی از مفهوم رجعت تمرکز دارد و کمتر تعریف فراگیری ارائه شده است. این مقاله در پایان با در نظر داشت مجموع روایات رجعت، به بیان تعریفی جامع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

رجعت، رجعت‌کنندگان، مهدویت، متکلمان شیعه.

kh.salimian@isca.ac.ir

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم، ایران.

* سلیمیان، خدا مراد. (۱۴۰۱). تحلیل مفهوم‌شناختی «رجعت» از نگاه لغت و اصطلاح. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۴(۷)، صص ۸۰-۱۰۳.
 DOI:10.22081/JIKM.2022.64484.1078

مقدمه

باور به رجعت، از اعتقاد ویژه‌های شیعه است. در این باور، بر پایه روایات معصومان علیهم‌السلام و سخنان دانشمندان و بزرگان شیعه، بر این امر اتفاق نظر است که دو گروه از مردگان (مؤمنان خالص و کافران خالص) با همان بدن‌هایی که با آن زندگی کرده و از دنیا رفته‌اند، پس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام به دنیا برمی‌گردند و زنده می‌شوند تا مؤمنان از برپایی حکومت عدل جهانی شاد گردند و عزت یابند و کافران از ذلت و حقارت ستمگران، دردمند شوند. همچنین گروه نخست مرحله‌هایی از کمال را بگذرانند و گروه دوم کیفرهای شدید دنیایی ببینند.

با توجه به انبوه روایات رجعت که برخی آن را فراتر از تواتر دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۳، ص ۱۲۳)، روایاتی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام درباره رجعت در دست است که نشان می‌دهد رجعت در میان باورهای شیعه امامیه، مرتبه والایی دارد، به گونه‌ای که برخی از این حدیث‌ها، اعتقاد به رجعت را یکی از شرایط ایمان ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۳، ص ۱۲۱) و یا منکران رجعت را از دایره تشیع خارج می‌دانند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳).

اهتمام فراوان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به جایگاه این باور، سبب شده تا شیعیان همواره در جهت آگاهی‌های بیشتر در زمینه این اعتقاد، همت و همکاری خویش را بروز دهند؛ زیرا نگارش آثار بسیاری با همین نام، گویای این سعی بلیغ است.

نخستین گام برای وارد شدن در گستره‌های دانشی مبحث «رجعت» امام، مانند همه دانش‌های دیگر، بازشناسی مفهومی و اصطلاحی دقیق و روشن واژه‌های آن بر پایه کتاب‌های لغت، سخنان و اندیشه‌های معتبر دانشمندان و بزرگان است.

از این رو نگاه ژرف در منابع نخستین لغت، برای فهم هرچه بیشتر معنای لغوی است و بررسی روایات معصومان علیهم‌السلام و دیدگاه اندیشمندان بزرگ شیعی نیز برای فهم هرچه بهتر معنا و مفهوم اصطلاحی آن، بایستگی ویژه دارد.

البته گاهی نیز در برخی منابع لغوی به بحث اصطلاحی اشاره شده که می‌توان از آن در فهم اصطلاحی نیز یاری گرفت؛ اگرچه مخالفان این اعتقاد در برخی از این آثار، این

مفهوم اصطلاحی را مطرح کرده‌اند و گاهی نیز درباره آن سوگیری‌های غیر علمی شده است.

پژوهش حاضر، در پاسخ به این پرسش اساسی است که «چگونه می‌توان از سخنان اهل لغت و دانشمندان بزرگ به‌ویژه دانشمندان علم کلام، رجعت را از نگاه لغت و اصطلاح بررسی کرد؟» البته این بررسی، در کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره رجعت نگاشته شده، بسیار محدود صورت گرفته و به این تفصیل کار درخوری دیده نشد.

۱. واژه رجعت از نگاه کتاب‌های لغت

واژه «رجعت» در زبان فارسی به «بازگشت»، (معین، ۱۳۸۶) «بازگشتن» و «برگشتن» ترجمه شده است؛ یعنی برگشتن به جایی که پیش‌تر در آنجا بوده، و البته این واژه در فرهنگ‌های لغت عربی به معناهای پرشمار و گوناگون آمده است.

از میان آنها خلیل بن احمد (متوفای ۱۷۵ق) «رجعت» را بازگشت مرد به همسرش پس از طلاق دانسته و درباره معنای اصطلاحی رجعت، آن را باور گروهی از انسان‌ها معرفی کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

صاحب کتاب لغت الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری (متوفای ۳۹۳ق)، رجعت را به معنای بازگشت دانسته، و ایمان به رجعت را باور به بازگشت به دنیا پس از مرگ معنا کرده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۲۱۶).

راغب اصفهانی (متوفای ۴۲۵ق)، نگارنده کتاب مفردات الفاظ قرآن، «رجوع» را بازگشت به هر آنچه آغاز و شروع از آنجا بوده، خوانده است و با اشاره به دو گستره به کارگیری واژه، یعنی «بازگشت پس از طلاق» و «بازگشت به دنیا پس از مردن»، آن را باور برخی از مردم دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴۲).

ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ق) در کتاب النهایه، رجعت را به یک‌بار بازگشت معنا کرده و خاستگاه آن را عرب دوران جاهلیت دانسته و به گونه‌ای گسترده‌تر پیروان این باور را توصیف کرده است (جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۱).

ابن منظور (متوفای ۷۱۱ق) نیز پس از نقل دیدگاه برخی از بزرگان علم لغت درباره

واژه‌های "رجع"، رَجَع يَرْجِع رَجْعاً و رُجِعاً و رُجِعاً و رُجِعاً و رُجِعاً و رُجِعاً و رُجِعاً و رُجِعاً، رجعت را مذهب مردمانی از عرب جاهلیت دانسته است که نزد آنان شناخته شده بود. همچنین رجعت را مذهب گروهی از بدعت‌گذاران و هواپرستان مسلمان خوانده است. در ادامه نیز باور آنها را این‌گونه تعریف کرده که آنان می‌گویند: «مرده همان‌گونه که بوده، زنده می‌شود و به دنیا باز می‌گردد». در پایان نیز گروهی از باورمندان به رجعت را با تعبیر "رافضه" معرفی کرده و به آنها چنین نسبت داده که می‌گویند: «علی بن ابی‌طالب [علیه السلام] در ابرها پنهان شده است. همراه کسی از فرزندان خود خارج نمی‌شود، مگر آنکه ندادنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: با فلان خارج شو» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۱۴).

فیومی (متوفای ۷۷۰ق) صاحب کتاب المصباح المنیر نیز پس از اشاره به برخی معانی یادشده، رجعت را به معنای بازگشت دانسته است. به معنای اصطلاحی آن هم این‌گونه اشاره می‌کند که فلان کس به رجعت ایمان دارد؛ یعنی به بازگشت مردگان به دنیا اعتقاد دارد (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۲۰).

این مثال را فیروزآبادی (متوفای ۸۱۷ق) صاحب کتاب القاموس المحیط (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۶) نیز در معنای "الرجعة" آورده است و زبیدی (متوفای ۱۲۰۵ق) درباره معنای الرجعة، آن را یک بار بازگشت دانسته است (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۱۵۱).

در میان لغت‌شناسان شیعه، فخرالدین طریحی (متوفای ۱۰۸۵ق) در کتاب مجمع البحرین، پس از اشاره به شماری از آیات قرآن، رجعت را "یک‌بار بازگشت پس از مرگ"، پس از ظهور امام مهدی (عج) دانسته و آن را از بایسته‌های مذهب امامیه معرفی کرده است. آنگاه تأکید کرده که گواه قرآنی و روایی آن بیشتر از آن است که نیاز به یادآوری داشته باشد. سپس به نمونه حدیثی اشاره می‌کند که در آن گفته شده: «هر کس به بازگشت ما ایمان نداشته باشد، از ما نیست».

وی سپس با اشاره به برخی دیدگاه‌های منکران رجعت، تصریح کرده که رجعت را اهل سنت انکار کردند، تا آنکه سرانجام گفته شده باور به رجعت، مذهب مردمانی از عرب جاهلیت بوده (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۳۵).

بنابراین در همه تعریف‌های یادشده، با خوانش‌های گوناگون، یک هم‌اهنگی

مفهومی وجود دارد و آن "بازگشت به جایی است که شروع از آنجا بوده است". نکته دیگر اینکه پس از بیان مفهوم لغوی رجعت، به طور فراگیر بر این نکته تأکید شده که به عقیده یک گروه نیز مردگانی به دنیا برمی گردند.

۲. معنای اصطلاحی رجعت

از آنجا که بیشترین توصیف و اشاره به معنای اصطلاحی رجعت، در بحث‌های کلامی انجام شده، به نظر می‌رسد با بررسی کلامی این واژه، بتوان به معنای اصطلاحی آن دست یافت.

کاربردهای کلامی واژه «رجعت»

با نگاهی گذرا به نوشته فهرست‌نگاران، عنوان "کتاب الرجعة" یا "الرجعة" را به فراوانی در میان آثار پیشینیان می‌توان یافت،^۱ اما با توجه به اینکه واژه «رجعت» در معانی

۱. گفتنی است با عنوان "الرجعة" بیش از ده‌ها اثر نگاشته و معرفی شده که برخی از این قرارند: اثبات الرجعة، اثر شیخ حیدر ابو اسد از اصحاب امام صادق علیه السلام؛ ۲. الرجعة، نوشته ابویحیی احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی از اصحاب امام هادی علیه السلام؛ ۳. اثبات الرجعة، از فضل بن شاذان از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام؛ ۴. الرجعة و احادیثها، از همو؛ ۵. الرجعة، از ابی نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی؛ ۶. الرجعة، اثر شیخ صدوق؛ ۷. اثبات الرجعة، از حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی؛ ۸. اثبات الرجعة، نوشته حسن بن سلیمان بن خالد؛ ۸. الرجعة و الرد علی اهل البدعة، نوشته حسن بن سلیمان بن خالد حلی؛ ۹. اثبات الرجعة، نوشته محقق کرکی نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی؛ ۱۰. اثبات الرجعة، از شیخ شرف الدین یحیی بحرانی؛ ۱۱. اثبات وجوب الرجعة و تفریح الکریه عن المنتقم لهم الرجعة، اثر سید امیر محمود فتح الله کاظمینی؛ ۱۲. اثبات الرجعة و ظهور الحجة والاخبار المأثور فيها عن آل محمد، از سید امیر مؤمن بن دوست محمدحسینی استرآبادی؛ ۱۳. اثبات الرجعة، از سید محمدباقر سبزواری، نویسنده کفایة و ذخیره المعاد؛ ۱۴. دعائم الدین و کشف الریبه فی اثبات الکراهة والرجعة، از محمد محسن بن محمدحسین بن عنایت‌الله بن زین العابدین مهدی؛ ۱۵. رجعت، از سلمان بن محمد گیلانی تنکابنی؛ ۱۶. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، نوشته محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حر عاملی؛ ۱۷. اثبات الرجعة، از علامه محمدباقر مجلسی؛ ۱۸. اثبات الرجعة، از سلطان محمود بن غلام علی طوسی، از شاگردان علامه مجلسی؛ ۱۹. الرجعة، از سید هاشم بحرانی، صاحب تفسیربرهان؛ ۲۰. اثبات الرجعة، اثر حسن بن عبدالرزاق لاهیجی و ...

اصطلاحی گوناگونی به کار رفته است، نباید عنوان‌های یادشده در فهرست‌ها را لزوماً بر معنای کلامی "رجعت" که "زنده‌شدن مردگان" با خوانش شیعه امامیه است، حمل کرد.

برخی از گونه‌های اصطلاحی رجعت را می‌توان در عنوان‌های زیر برشمرد:

الف) اصطلاحی کلامی و به معنای آشکارشدن و بازگشت پس از پنهان‌زیستی

در برخی از سخنان، رجعت نه به معنای "زنده‌شدن مردگان" که به معنای "آشکارشدن" پس از دوران پنهانی، به کار رفته است.

یکی از سخنان در این باره، نقل عبدالله بن ضمیره از کعب‌الأخبار است که در آن گفته شده: **إِنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ غَيْبَةٌ كَغَيْبَةِ يَوْسُفَ وَ رَجَعَهُ كَرَجْعَةِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ...؛ همانا قائم از فرزندان علی علیه السلام است. برای او غیبتی چون غیبت یوسف و رجعتی چون رجعت عیسی علیه السلام است** (ابن عقدة الکوفی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۳).

این سخن را برای نخستین بار ابن عقده (متوفای ۳۳۲ق) و پس از آن نعمانی در کتاب الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۹) و در ادامه، برخی منابع نقل کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۲۲۵).

از آنجا که غیبت امام، به غیبت و ناشناسی حضرت یوسف علیه السلام مانند شده، پس رجعت که در برابر آن به کار رفته، به معنای زنده‌شدن پس از مرگ نیست. همچنین رجعت قائم علیه السلام به رجعت حضرت عیسی علیه السلام مانند شده و می‌دانیم که بازگشت حضرت عیسی علیه السلام، از نوع آشکارشدن پس از غیبت است، نه زنده‌شدن پس از مردن. درضمن، قائم علیه السلام از دنیا نرفته است تا بازگشت او بر معنای دیگری غیر از آشکارشدن، راست نماید.

به نظر می‌رسد این برداشت اگرچه در اندازه برداشت زنده‌شدن مردگان بوده، شهرت چندانی نداشته، اما کم‌وبیش باورمندانی داشته است. از این رو خوارزمی (متوفای ۳۸۷ق) در مقدمه مفاتیح العلوم؛ به مناسبت بیان بایستگی آگاهی از معانی اصطلاحات علوم گوناگون، واژه "رجعت" را مثال زده و معانی گوناگون آن را در

کاربردهای مختلف نشان داده است. سپس گفته این واژه نزد متکلمان شیعه به معنای بازگشت امام پس از مرگ یا پس از غیبت، است. مثال سخن هم این عبارت است که: "هذه المواضع لفظة الرجوع فإنها عند أصحاب اللغة المرة الواحدة من الرجوع لا يكادون يعرفون غيرها، ... وعند المتكلمين ما يزعمه بعض الشيعة من رجوع الإمام بعد موته أو غيبته ... (خوارزمی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۰). البته این دیدگاه که در بخش پایانی سخن خوارزمی آمده، برخلاف دیدگاه شیعه امامیه است.

ب) رجعت، اصطلاحی کلامی و به معنای بازگشت دولت اهل بیت علیهم السلام

به نظر می‌رسد گروهی از شیعیان که در میزان اعتبار روایات رجعت دچار تردید شده یا نتوانسته‌اند حقیقت رجعت را در زنده شدن مردگان پس از هزاران سال به‌خوبی فهم کنند، بر آن شده‌اند تا «رجعت» را به معنای بازگشت دولت و شوکت به اهل بیت علیهم السلام بیان کنند (حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۵۸؛ سلیمان، ۱۳۹۲، ص ۳۴).

ج) رجعت، اصطلاحی کلامی و به معنای زنده شدن مردگان در همین دنیا و پس از مرگ

از نگاه شیعه امامیه، این بازگشت به دنیا فقط ویژه خالصان در ایمان و خالصان در کفر است (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵). بدین ترتیب در نوشتار حاضر، سومین معنا از معانی یادشده رجعت بحث و بررسی خواهد شد.

۳. واژه‌های پیوسته و وابسته

افزون بر واژه "رجعت"، در بحث بازگشت و زنده شدن مردگان، از واژه‌های دیگری نیز بهره برده شده است. شماری از این واژه‌ها عبارتند از:

الف) "کَرَّة" و هم‌ریشه‌های آن

به معنای بازگشت بر آن چیزی که پیش از آن بوده و "تکرار" نیز از همان گرفته شده

فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۷۷) و به معنای بازگشت به دنیا پس از مردن نیز آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۳۶). نویسنده کتاب مجمع البحرین، ماده «الکره» را به رجعت هنگام ظهور قائم تفسیر کرده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۴۷۱ و ۴۷۲). راغب هم این معنا را می آورد: «برگشتن به چیزی، چه اینکه خود شخص برگردد یا از نگاه انجام کار بازگشت کند (راغب، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۸). الکره از لحاظ وزن و معنا همان الرجعة یا "رجعت" است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳۰).

در روایت‌هایی مفهوم رجعت با تعبیر "کره" آمده است. یکی از آنها حدیث امیر مؤمنان علی علیه السلام است که در آن فرمود: «إِنِّي لَصَاحِبُ الْكِرَاتِ وَ دَوْلَةِ الدُّوَلِ؛ همانا من صاحب بازگشت‌های مکرر و دولت‌ها هستم» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹۸).

اگرچه «کره» در لغت به معنای "حمله در میدان جنگ" نیز آمده و بنابراین، «کرات» به معنای حمله‌های پی‌درپی نیز معنا می‌شود؛ به قرینه روایات دیگر، به معنای رجعت نیز مناسبت دارد. مانند آنچه در فرازی از زیارت آن حضرت آمده که در آن می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ الْكِرَّةِ وَ الرَّجْعَةِ؛ درود بر تو ای صاحب بازگشت» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۵). همچنین مانند آنچه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَ جَعَلَنِي ... وَ یَحْشُرُ فِي رُؤْمَرَتِكُمْ وَ یَكْرِفُ فِي رَجْعَتِكُمْ؛ و مرا از کسانی قرار ده که ... همراه شما برانگیخته می‌شود و هنگام رجعت شما بازمی‌گردد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۵).

از دیگر روایات در این معنا می‌توان به سخن امام باقر علیه السلام اشاره کرد که در آن، روزهای خداوند را سه روز دانسته: روزی که قائم قیام کند؛ روزی که رجعت اتفاق بیافتد؛ و روزی که رستاخیز بر پا شود (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۸).

ب) "أوب" به معنای برگشتن

از دیگر واژه‌هایی که در معنای رجعت به کار رفته، «أوب» و هم‌ریشه‌های آن است، مانند: آنچه در زیارت اربعین می‌خوانیم: «وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ؛ شما را گواه می‌گیرم بر اینکه به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم» (ابن قولویه، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۲).

ج) نشر

درباره "نشر"، گفته شده به معنای زندگانی (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۵۲۴) است. "نشر المیت"؛ یعنی پس از مردن زندگی کرد (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۲۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۹۳). "انشار" نیز به معنای زنده شدن پس از مرگ آمده (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۹۳). بنابراین نشر را می توان زنده شدن مرده معنا کرد (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۵۲۴).

پس به نظر می آید چون زنده شدن، نوعی گسترده شدن است، ذرات پراکنده بدن بر اثر حرکت و جنبش رشد می کند و گسترده می شود و بدن را از نو پدید می آورد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۶۵).

در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره عبس می خوانیم: «ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أُنشَرَهُ؛ آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد. سپس چون بخواهد، او را برانگیزد.» شیخ حر، در تفسیر این آیه می نویسد: «ینشره فی الرجعة؛ به معنای این است که در رجعت زنده اش می کند (حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۰).

د) الرَّدّ

الرَّدّ؛ بازگرداندن چیزی یا به ذات خود یا به حالتی از حالاتش را گویند (راغب، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۹). همچنین به معنای روی گرداندن چیزی و بازگشت آن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۷۲). «تَرَدَّدْتُ إِلَى فُلَانٍ؛ یعنی دوباره به سوی او باز گشتم (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۴). الارتداد؛ به معنای برگشتن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۰۷). رَدّ؛ به معنای برگرداندن است؛ خواه برگرداندن ذات شیء باشد و خواه برگرداندن حالت باشد. پس ارتداد یعنی برگشتن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۹).

حسن بن سلیمان از عبدالرحیم قصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «مَنْ مَاتَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَدًّا حَتَّى يَقْتَلَ، وَ مَنْ قُتِلَ رَدًّا حَتَّى يَمُوتَ، وَ ذَلِكَ الْقَدَرُ فَلَا تُنْكِرُهَا؛ کسی که کشته شود، (به دنیا) برمی گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا برود و کسی که به مرگ طبیعی از دنیا برود، برمی گردد تا کشته شود. همانا این قدرت پروردگار است، پس آن را انکار نکن (عیاشی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۳؛ حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۲۷۷).

ایشان را برای روز رستاخیز» (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۳). اصل بعث؛ یعنی پدید آوردن چیز و آفریدن آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۲). همچنین البعث؛ یعنی زنده شدن مردگان از سوی خداوند (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۷۱).

در این باره ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «مَثَلُ أَمْرِنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ مَثَلُ صَاحِبِ الْحِمَارِ «أَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ» (بقره، ۲۵۹)؛ مَثَلِ كَارِ مَا دَرِ الْقُرْآنِ، مَثَلِ صَاحِبِ الْأَخِ است که خدا وی را میراند و پس از صدسال زنده کرد (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۲۲؛ حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۵).

با وجود به کارگیری واژه‌های گوناگون، به نظر می‌رسد بیشترین استفاده درباره این اعتقاد، از واژه رجعت بوده است.

ح) اصطلاح رجعت در نگاه برخی از بزرگان

برای معنای اصطلاحی رجعت، اندیشمندان بزرگ شیعه با نگاه به برخی روایات، تعریف‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره و در پایان جمع‌بندی و دیدگاه نگارنده بیان خواهد شد:

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) اگرچه به تعریف رجعت اشاره‌ای نکرده، در بابی با نام «باب الاعتقاد فی الرجعة»، حقیقت باور خود به رجعت را این‌گونه مطرح می‌کند: «اعتقادنا فی الرجعة أنّها حق؛ باور ما در رجعت این است که آن حق است» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۶۰). آنگاه به آیاتی اشاره کرده که درباره رجعت در امت‌های پیشین، سخن به میان آورده‌اند. پس به این نتیجه می‌رسد که به‌طور قطع، رجعت، در امت‌های پیشین اتفاق افتاده است. در ادامه با اشاره به سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «در این امت هر آنچه در امت‌های گذشته رخ داده، مو به مو رخ خواهد داد»، نتیجه می‌گیرد که در این امت نیز باید این اتفاق رخ دهد.

اگرچه شیخ صدوق در اینجا به تعریف خاصی برای رجعت نپرداخته، در مجموع افزون‌بر حق دانستن آن، پدید آمدن آن را در آخرالزمان امری ناگزیر دانسته است. شاید دلیل اینکه شیخ صدوق تعریف منسجمی از رجعت بیان نکرده، این است که

نقل روایات گستره در این باره را کافی می‌دانسته و برداشت تعریف را به خواننده روایات واگذار کرده است.

پس از شیخ صدوق، یکی دیگر از کسانی که به شکل گسترده و در آثاری پرشمار، به بحث رجعت و رجعت‌کنندگان پرداخته، شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق) است. وی در یکی از آثار خود درباره حدیث «من لم یقل برجعنا فلیس منا؛ کسی که قائل به رجعت ما نشود، از ما نیست»، می‌نویسد: «نظر خاصی را از فرمایش خود اراده کرده و آن این است که خداوند از امت محمد ﷺ گروهی را بعد از مرگشان و قبل از قیامت زنده می‌کند و این باوری است ویژه آل محمد ﷺ».

آنگاه در ادامه به ناهم‌گونی آن با قیامت چنین اشاره می‌کند که همانا خداوند درباره رستاخیز بزرگ این‌گونه گزارش داده است: «وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا.» و خداوند درباره زنده‌شدن در رجعت فرمود: «ویوم نحشر من کل أمة فوجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون» (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲).

البته در کتاب‌های پیش از آن روایتی به این صورت دیده نشد و ممکن است شیخ مفید مضمون حدیث را نقل کرده است. با این حال در آثار پیشین سخنی با مفهوم یادشده با اندک تفاوتی در کتاب الهدایه الکبری، این‌گونه نقل شده است: «... مَنْ لَمْ یُثَبِّتْ إِمَامَتَنَا وَ یَحِلِّجْ مُثَعِّنَاتَنَا وَ یَقُولَ [یَقُلْ] بِرَجَعَتِنَا فَلَیْسَ مِنَّا...» (خصیبی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۱۸). در ضمن، همه کسانی که این سخن را نقل کرده‌اند، آن را منسوب به شیخ مفید نقل دانسته‌اند (حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۵۵؛ مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۰۳).

به نظر می‌رسد این بیان شیخ مفید، منظور حدیثی است که شیخ صدوق به نقل از امام صادق علیه السلام این‌گونه نقل کرده است که فرمود: «لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُؤْمِنْ بِکَرَّتِنَا؛ یعنی از ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما ندارد» (محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳).

وی در جایی دیگر باور خود به رجعت را در این می‌داند که پروردگار شماری از درگذشتگان را به همان صورت‌هایی که در زندگی دنیایی بودند، دوباره به دنیا برمی‌گرداند. سپس شماری از آنها را بزرگ و گروهی دیگر را ذلیل می‌کند و

طرفداران حق را بر طرفداران باطل یاری می‌دهد پیروز می‌نماید و ستم‌دیدگان را بر ستمکاران چیره می‌گرداند. این اتفاق هنگام ظهور مهدی آل محمد خواهد بود (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۷۷).

البته شیخ مفید، در توضیح، رجعت‌کنندگان را منحصر در دو گروه دانسته است: نخست کسانی که به بالاترین مرتبه ایمان رسیده و کارهای شایسته فراوانی انجام داده‌اند و در حالی از دنیا رفته‌اند که از نافرمانی خداوند پرهیز کرده‌اند. دسته دیگر کسانی هستند که در تباهی و ستم به اولیای الهی به بالاترین جایگاه ممکن رسیده‌اند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۷۸).

پس از شیخ مفید، سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ق) برجسته‌ترین کسی است که ضمن اشاره به اینکه پژوهش‌گران امامیه به‌طور فراگیر به شبهه‌ها پاسخ داده و تبیین کرده‌اند، تأکید می‌کند که رجعت به هیچ وجه محال نیست؛ چرا که قدرت الهی فراگیر است و هر مقدوری را دربرمی‌گیرد (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۲).

شریف مرتضی در پاسخی دیگر به چیستی رجعت، معنای رجعت را آن دانسته است که:

خداوند بزرگ گروهی از دوستداران و شیعیان را که پیش از ظهور قائم از دنیا رفته‌اند، زنده می‌کند تا آنکه او را یاری دهند و از او اطاعت کنند و در جنگ با دشمنان همراه او باشند و این ثواب بزرگ که پیش از آن درک نکرده‌اند، از دست آنان نرود. کسی هم جایگزین آنها نشود و خداوند بر زنده کردن مردگان تواناست. پس شگفتی مخالفان و بعید دانستن آنان، بی‌معناست (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۰۲).

البته این تعریف تمام و کامل نیست؛ زیرا به بازگشت کفار خالص و مؤمنان خالص که در برخی سخنان معصومان علیهم‌السلام اشاره شده، نپرداخته است.

امین الاسلام طبرسی (متوفای ۵۴۸ق)، از دیگر کسانی است که درباره رجعت مطالب ارزشمندی مطرح کرده است. وی افزون‌بر بحث درباره رجعت، به نکته‌ای بنیادین اشاره کرده و آن اینکه رجعت را [فقط] ظواهر اخبار نقل‌شده تأیید نمی‌کند تا

اینکه تأویل شود، بلکه همه شیعیان امامیه در مورد رجعت اجماع کرده‌اند، اگرچه اخبار هم آن را تأیید و از آن پشتیبانی می‌کند.

سپس وی به گونه‌ای گسترده‌تر نسبت به گذشتگان، تعریف رجعت را در این دانسته که: «همانا خداوند هنگام قیام مهدی علیه السلام مردمانی را که پیش از او از دنیا رفته‌اند - از اولیا و شیعیان - بازمی‌گرداند تا به پاداش یاری و کمک به او دست یابند و به ظهور او شادمان شوند. همچنین گروهی از دشمنان او بازمی‌گردند تا از آنان انتقام گرفته شود؛ به برخی از عذاب‌ها کیفر داده شوند و از دیدن برتری کلمه، پست و فرومایه شوند (نمل، ۸۳) (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷ ص ۳۳۴).

ناتمامی این تعریف را نیز در این می‌توان دانست که رجعت‌کنندگان را منحصر در دوستان و شیعیان و نیز دشمنان اهل بیت علیهم السلام دانسته است؛ درحالی که برخی روایات، رجعت‌کنندگان را مؤمنان خالص و کفار خالص دانسته‌اند و این بیان روایات، اعم از شیعیان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام است.

شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ق) در تعریفی کوتاه، مراد از رجعت را زندگی پس از مرگ و پیش از قیامت دانسته و تصریح می‌کند که آنچه به ذهن می‌رسد، این معناست و دانشمندان نیز به آن تأکید کرده‌اند، چنان که از کاربردهای آن فهمیده می‌شود و در بعضی از احادیث به آن تصریح شده است (حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۲۹).

این تعریف نیز تمام نیست؛ زیرا نمی‌توان از آن تصویر روشنی درباره رجعت در ذهن تصور کرد.

محمدباقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ق) از کسانی است که نسبت به گذشتگان درباره رجعت بیشتر سخن به میان آورده و تأکید می‌کند:

از امور مورد اتفاق و اجماع شیعه، بلکه از ضروریات مذهب حقّ فرقه محقّه، حقیقت رجعت است؛ یعنی در زمان حضرت قائم علیه السلام و پیش از رستاخیز، گروهی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد، زنده می‌شوند و به دنیا برمی‌گردند. نیکان از آن جهت که به دیدن دولت پیشوایان خود علیهم السلام، دیده‌هایشان روشن شود و بخشی از پاداش نیکی‌هایشان در دنیا ببینند، و بدان از برای کیفر و عذاب

دنیا و دیدن آن دولتی که نمی‌خواستند به اهل بیت علیهم‌السلام رسالت برسد و انتقام کشیدن شیعیان از ایشان و دیگر مردم، در قبرها می‌مانند تا در رستاخیز برانگیخته شوند (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۸).

در جای دیگر نیز با اشاره به فراوانی روایات رجعت، استبعاد تواتر این روایات را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «چنانچه در این [رجعت] تواتر ممکن نباشد، در چه چیزی ممکن خواهد بود؟» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳، ص ۱۲۳)

این تعریف را نسبت به موارد پیشین می‌توان به نوعی کامل‌تر دانست؛ زیرا به جز تأکید بر رجعت کفار و مؤمنان، به بخشی از حکمت رجعت این دو گروه نیز اشاره شده است.

در میان اندیشه‌وران امامیه معاصر، محمدرضا مظفر (متوفای ۱۳۸۳ق) باور شیعه در رجعت را بر پایه پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام دانسته و به عقیده او خداوند گروهی از کسانی را که در گذشته از دنیا رفته‌اند، با همان بدن‌ها و صورت پیشین زنده می‌کند و به دنیا برمی‌گرداند. پس به شماری از آنان عزت می‌دهد و پاره‌ای را خوار و ذلیل خواهد کرد و حقوق حق‌پرستان را از اهل باطل می‌گیرد و داد ستم‌دیدگان را از ستمکاران می‌ستاند و این، از رویدادهایی است که پس از قیام مهدی آل محمد علیهم‌السلام پدید می‌آید.

کسانی که پس از مردن، به این جهان برمی‌گردند، دو حالت دارند: یا از ایمان بسیار بالا برخوردارند یا افرادی هستند در نهایت تباهی و فساد که آنگاه دوباره از دنیا می‌روند ... (مظفر، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

در این تعریف نیز به‌طور روشن به دو دسته رجعت‌کننده اشاره نشده و فقط توصیف اجمالی درباره آنها آمده و اینکه به چگونگی این زنده شدن و هدف آن نیز اشاره کاملی نشده است.

از مراجع تقلید معاصر جعفر سبحانی، درباره رجعت مباحثی گسترده مطرح کرده است. وی در کتاب الأضواء علی عقائد الشیعة الإمامیة در مسئله ششم با عنوان "الرجعة فی الکتاب و السنّة" به بحث درباره رجعت پرداخته است.

استاد سبحانی سپس در تعریف رجعت آن را به معنای بازگشت گروهی اندک به

زندگی دنیایی، پیش از روز قیامت و پس از آن مردن آنها و زنده شدن آنها در روز قیامت دانسته و به باور او این هرگز با اصول اسلام تضادی ندارد و هرگز حکم ضروری در آن انکار نخواهد شد ... و در پاسخ به منکران تأکید کرده که چگونه رجعت ممکن است نباشد، درحالی که خداوند سبحان از بازگشت به زندگی دنیایی یک گروه خبر داده است:

إِنَّ الرَّجْعَةَ بِمَعْنَى عَوْدِ جَمَاعَةٍ قَلِيلَةٍ إِلَى الْحَيَاةِ الدُّنْيَوِيَّةِ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ مَوْتِهِمْ وَحَشْرِهِمْ مَجْدَدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَ شَيْئًا يُضَادُّ أَصُولَ الْإِسْلَامِ، وَ لَيْسَ فِيهِ إِنْكَارٌ لِأَيِّ حَكْمٍ ضَرُورِيٍّ، وَ لَيْسَ الْقَوْلُ بِرَجْعَتِهِمْ إِلَى الدُّنْيَا يُلْغِي بَعْثَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ وَ قَدْ أَخْبَرَ سُبْحَانَهُ عَنِ رَجُوعِ جَمَاعَةٍ إِلَى الْحَيَاةِ الدُّنْيَوِيَّةِ (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۹).

وی در ادامه به نمونه‌هایی از گزارش‌های رجعت در آیات قرآن اشاره کرده و نتیجه گرفته که اگر زنده شدن مردگان پیش از قیامت امر محالی است، پس معنای این آیات چیست که صریح در زنده شدن مردگان آمده است؟ (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۰)

البته از سخنان ایشان نیز نمی‌توان تعریف درخوری به دست آورد؛ زیرا روشن نیست اندک بودن رجعت‌کنندگان از کجا به دست آمده است، درحالی که روایاتی به مؤمنان خالص و کفار خالص که پیش از زمان رجعت از دنیا رفته‌اند، اشاره دارند و این قید اندک بودن، با شمار فراوان مؤمنان خالص و کفار خالص در طول تاریخ، چندان هم خوانی ندارد.

از دیگر اندیشه‌وران معاصر، سید محسن خرازی در کتاب عقائد الإمامیه ذیل عنوان "عقیدتنا فی الرجعة" باور امامیه درباره رجعت را برپایه آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام دانسته است که خداوند گروهی از مردگان را در همان صورت‌هایی که بوده‌اند، برمی‌گرداند. پس گروهی را عزیز می‌دارد و گروهی را خوار می‌سازد و این هنگام قیام مهدی آل محمد علیهم‌السلام است و باز نمی‌گردند، مگر کسانی که به بالاترین درجه ایمان رسیده باشند یا نهایت فساد (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۶۸).

در اینجا نیز تعریف روشنی به دست داده نشده؛ زیرا برخی اشکال‌های پیش‌گفته نیز

وارد است که برجسته‌ترین آنها اشاره به مؤمنان خالص و کفار خالص است و در اینجا از کفار خالص به نهایت فساد اشاره شده است.

از آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت هر یک از تعریف‌های یادشده به بخشی از تعریف اصطلاحی رجعت اشاره کرده و تعریف فراگیری به دست نداده‌اند. به نظر می‌رسد، با بهره از احادیث و آنچه نقل شد، رجعت را این‌گونه بتوان تعریف کرد: بازگشت برخی از مردگان (مؤمنان محض و کافران محض) به دنیا پیش از برپایی رستاخیز بزرگ و در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام با همان بدن‌هایی که پیش‌تر با آن زندگی کرده‌اند؛ تا اینکه مؤمنان خالص به یاری آن حضرت پردازند و از دیدن حکومت حق و برپایی آن شادمان شوند و کفار خالص با دیدن دولت حق، آزرده گردد و به برخی کیفرهای دنیایی عذاب شوند و همچنین از برخی از ایشان انتقام گرفته می‌شود.

عناصر این تعریف عبارتند از:

۱. رجعت، زنده شدن مردگان است.
۲. رجعت، همگانی نیست.
۳. رجعت، در عصر ظهور مهدی علیه السلام است.
۴. رجعت، حلول روح به همان بدن‌های پیشین است.
۵. فلسفه رجعت برای مؤمنان، یاری حضرت و لذت از حکومت عدل است.
۶. فلسفه رجعت برای کفار، ناراحت شدن از آن و تحمل برخی کیفرهای دنیایی است.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد، آنچه را عده‌ای با عنوان تعریف رجعت، در کلام برخی از بزرگان مطرح می‌کنند، نمی‌توان پذیرفت؛ به دلیل آنکه بیشتر این سخنان در مقام تعریف رجعت نبوده تا بر آن خرده گرفته شود، بلکه اشاره به کلیت اعتقاد شیعه به زنده شدن برخی از مردگان در عصر ظهور است. از این رو کاستی‌های موجود در این سخنان را نمی‌توان به حساب تسامح برخی از بزرگان در تعریف رجعت دانست.

البته با گذر زمان این تعریف با بهره بیشتر از روایات، کامل تر شده است، به گونه‌ای که تعریف‌های معاصران نسبت به متقدمان مفصل تر شده است.

با بهره از مجموع فرمایش معصومان علیهم‌السلام و سخنان دانشمندان امامیه درباره رجعت، می‌توان به روشنی تعریفی فراگیر درباره این اعتقاد ارائه کرد و آن اینکه: «رجعت عبارت است از بازگشت و زنده شدن مؤمنان خالص و کفار خالص با همان بدن‌هایی که با آن زندگی کرده‌اند، در عصر ظهور امام مهدی علیه‌السلام تا مؤمنان در صف یاران حضرت قرار بگیرند و پس از پیروزی آن حضرت، از آن برپایی لذت ببرند و کفار به برخی مجازات‌های دنیایی کارهای خود برسند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. (۱۴۱۸ق). (مترجم: محمد مهدی فولادوند). تهران: دارالقرآن الکریم.
۱. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد. (۱۴۲۴ق). فضائل أمير المؤمنين عليه السلام. قم: دليل ما.
 ۲. ابن قولويه، جعفر بن محمد. (۱۴۱۷ق). کامل الزيارات (محقق: جواد قیومی، چاپ اول). بی جا: مؤسسه نشر الفقاهة.
 ۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). المزار الكبير (محقق و مصحح: جواد قیومی اصفهانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۴، ۵ و ۸). بیروت: دار صادر.
 ۵. جزری، ابن اثیر. (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحديث و الاثر (ج ۲). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
 ۶. الجوهري، ابونصر اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح (ج ۲ و ۳، الطبعة الاولى). بیروت: دارالعلم للملایین. قاهره.
 ۷. خرازی، سید محسن. (۱۴۱۷ق). بداية المعارف الإلهية فی شرح عقائد الإمامية (ج ۲، چاپ چهارم). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
 ۸. خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۴۱۱ق). الهدایة الكبرى (چاپ چهارم). بیروت: نشر مؤسسه البلاغ.
 ۹. خوارزمی. (۱۴۲۸ق). مفاتیح العلوم. بیروت: بی نا.
 ۱۰. راغب اصفهانی. (۱۴۱۶ق). مفردات ألفاظ القرآن (ج ۲ و ۴). بی جا: ذوی القربی.
 ۱۱. زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۳۸۵). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۳، ۵، ۷ و ۱۱). بیروت: دارالهدایة.
 ۱۲. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). الأضواء علی عقائد الشيعة الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.

۱۳. شریف مرتضیٰ (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضیٰ (ج ۱، محقق: سید أحمد حسینی). قم: دارالقرآن الکریم.
۱۴. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (ج ۱، محقق: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.
۱۵. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۲ و ۳). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۶. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). اعتقادات الامامیه. قم: کنگره شیخ مفید.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۷، چاپ اول). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (ج ۳ و ۴). تهران: مرتضوی.
۱۹. الطوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۵ق). کتاب الغیبه. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۰. عاملی، محمد بن حسن حر. (۱۳۶۲). الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة (مترجم: احمد جنتی). قم: انتشارات نوید.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی (۱۴۱۷ق). کتاب التفسیر. تهران: اعلمی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ق). العین (ج ۱، ۲ و ۵). قم: انتشارات اسوه.
۲۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط (ج ۱ و ۳). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر (ج ۲). قم: مؤسسه دارالهجرة.
۲۵. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۳). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر قمی (ج ۲، محقق: طیب موسوی جزائری). قم: دارالکتاب.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۹). الکافی (ج ۱). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۰). حق الیقین (ج ۳). اصفهان: انتشارات کانون پژوهش.

۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار (ج ۵۲ و ۵۳). بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۰. مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۰). عقاید الامامیه (مترجم: علیرضا مسجد جامعی، چاپ اول). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
۳۲. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق «الف»). المسائل السرویة (محقق: صائب عبدالحمید). بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۳. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق «ب»). أوائل المقالات. بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق «ج»). تصحیح اعتقادات الإمامیة (محقق: حسین درگاهی). قم: کنگره شیخ مفید.
۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة. تهران: مکتبة الصدوق.

References

- * The Holy Quran. (1418 AH). (Foulavand, M. M, Trans.). Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
1. Al-Johari, A. (1407 AH). *Al-Sahah*. Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. (1st ed.). Cairo. [In Arabic]
 2. Al-Tusi, M. (1425 AH). *Kitab Al-Ghaibah*. Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
 3. Ameli, M. (1362 AP). *Al-Iqaz min Al-Hujjaa be al-Burhan ala Raj'a*. (Jannati, A, Trans.). Qom: Navid Eslami Publications. [In Persian]
 4. Ayashi, M. (n.d.). *Tafsir Ayashi*, (vol. 2). Beirut: Mansurat Mu'asisah al-A'alami.
 5. Farahidi, K. (1414 AH). *Al-Ain*. Qom: Osweh Publications. [In Arabic]
 6. Fayoumi, A. (1414 AH). *Al-Masbah Al-Munir*. Qom: Dar al-Hijra Institute. [In Arabic]
 7. Firouzabadi, M. (1415 A.H.) *Al-Qamoos al-Mohit*. Beirut: Dar al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
 8. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
 9. Ibn Mashhadi, M. (1419 AH). *Al-Mazar al-Kabir*. (Qayyomi Esfahani, J, Ed.) .Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
 10. Ibn Qolwieh, J. (1417 AH). *Kamel al-Ziyarat*. (1st ed.). (Ghayoumi, J, Ed.) . Al-Fiqahah Publishing Institute. [In Arabic]
 11. Ibn Ughda Kufi, A. (1424 AH). *Fadha'il Amir al-Mu'minin (AS)*. Qom: Dalil Ma. [In Arabic]
 12. Jazri, I. (1367 AP). *Al-Nahayat fi Qarib al-hadith va Al-Athar*. Qom: Ismailian Press Institute. [In Persian]
 13. Kharazi, S. M. (1417 AH). *Bidayat Al-Ma'arif Elahiya fi Sharh Aqa'id al-Imamiyah*. (4th ed.). Qom: Islamic Publications Institute. [In Arabic]
 14. Kharazmi. (1428 AH). *Mafatih al-Ululm*. Beirut. [In Arabic]

15. Khasibi, Hossein B. (1411 AH). *Al-Hadaiya Al-Kubara*. (4th ed.). Beirut: Al-Balagh Institute Publications. [In Arabic]
16. Koleyni, M. (1389 AP). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
17. Majlesi, M. B. (1380 AP). *Haq al-Yaqin*. Isfahan: Research Center Publications. [In Persian]
18. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Bihar Al-Anwar*. Beirut: Al-Wafa Institute. [In Arabic]
19. Moein, M. (1386 AP). *Moein Dictionary*. Tehran: Zarin. [In Persian]
20. Mofid, M. (1414 AH). *Al-Masa'il al-Saraviyah*. (Abdul Hamid, S, Ed.). Beirut: Dar al-Mofid le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi. [In Arabic]
21. Mofid, M. (1414 AH) b. *Awa'il al-Maqalat*. Beirut: Dar al-Mofid le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi. [In Arabic]
22. Mofid, M. (1414 AH) c. *Tashih Itiqadat al-Imamiyah*. (Dargahi, H, Ed.). Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]
23. Muzaffar, M. R. (1380 AP). *Aqa'id al-Imamiyah*. (Masjid Jame'i, A. Trans.). (1st ed.). [In Persian] Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
24. Nomani, Muhammad bin Ibrahim. (1397 AH). *Alghaiba* Tehran: Sadouq Library. [In Arabic]
25. Qarashi, A. A. (1371 AP). *Quran dictionary*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
26. Qomi, A. (1363 AP). *Tafsir Qomi*. (Mousavi Al-Jaziari, T, Ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Persian]
27. Ragheb Esfahani. (1416 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Dhawe al-Qurba. [In Arabic]
28. Sadouq, A. (1362 AP). *Al-Khasal*. (Ghaffari, A. A, Ed.). Qom: Society of teachers. [In Persian]
29. Sadouq, A. (1413 AH). *Man la Yahzuro al-Faqih*. Qom: Society of Teachers Publications. [In Arabic]

30. Sadouq, A. (1414 AH). *Itiqadat al-Imamiyah*. Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]
31. Sharif Morteza. (1405 AH). *Rasa'il Al-Sharif al-Mortaza*. (Hosseini, S. A, Ed.). Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
32. Sobhani, J. (1385 AP). *Al-Azwa' ala Aqa'id al-Shia al-Imamiyah*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
33. Tabarsi, F. (1415 AH). *Majma Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (1st ed.). Beirut: Al-Alami Institute for Press. [In Arabic]
34. Tarehi, F. (1375 AP). *Majma' al-Bahrain*. Tehran: Mortazavi. [In Persian]
35. Zubeidi, S. M. M. (1385 AP). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamous*. Beirut: Dar al-Hedaya. [In Persian]